Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

بررسی تطبیقی خاستگاه تاریخی پیدایش دو مکتب تفکیک و اخباریگری

جعفر نکونام[1]
شهربانو حاجی‌امیری[2]

چکیده

نوشتار حاضر در مقام بررسی تطبیقی خاستگاه تاریخی پیدایش دو مکتب تفکیک (مکتب معارفی خراسان) و اخباری است. این نوشتار به مثابه پیش نیاز و مقدمه‌ای در بررسی مقارنه‌ای مبانی تفسیر قرآن نزد دو مکتب تفکیک و اخباری می‌باشد. برخی مقالات تحقیقی، در سالهای اخیر، مکتب تفکیک را نو اخباریگری نامیده و ادعا می‌کنند این مکتب همان اخباریگری قرن یازدهم است که دیگر بار در قرن چهاردهم در لباسی نو رُخ نموده است. مقاله حاضر پیش از پرداختن به مبانی تفسیری این دو مکتب، بسترهای احتمالی پیدایش آنها را مورد تحلیل قرار می‌دهد تا در پرتو این شناخت صحیح، راه بررسی تطبیقی این مبانی، هموار گردد. حاصل پژوهش حاضر این است که دو مکتب تفکیک و اخباری با رویکرد حفاظت از منابع اصیلِ وحیانی در مقطعی از تاریخ تفکر شیعی و برای مقابله با افراط گرانی به منصه ظهور رسیدند که تقریباً کلِّ کتاب و سنت را وا نهاده و به مباحث فلسفی و کلامی روی آورده بودند. در واقع روح حاکم بر پیدایش دو مکتب بسیار مشابه بوده؛ اما به طور ظاهری برخی عوامل مؤثر در بروز این دو مکتب، متفاوت بوده است.

کلید واژه‌ها: مکتب تفکیک، محمدرضا حکیمی، اخباریگری، خاستگاه، اخباریان.

---

۱. دانشیار دانشگاه قم؛ jnekoonam@gmail.com
۲. دانش آموخته دکتری دانشگاه قم.

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

۱ـ بیان مسئله

در این نوشتار برای اولین بار به بررسی مقارنه‌ای بسترهای پیدایش دو مکتب تفکیک و اخباریگری پرداخته می‌شود و تأثیرپذیری احتمالی مکتب تفکیک از مکتب اخباری مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. سئوالی که در این نوشتار پاسخ داده می‌شود، این است که خاستگاه این دو مکتب چه بوده است؟ آیا مکتب تفکیک خاستگاه متمایزی از مکتب اخباری داشته یا به واقع دنباله رو مکتب اخباری به شمار می‌رود؟

وجه اهتمام به این سئوال این است که از باب مقدمه در بررسی تطبیقی مبانی تفسیری دو مکتب نیاز است که با بسترهای پیدایش آن دو نیز آشنا شویم همچنین میان این دو مکتب از نظر اهتمام ویژه به روایات و اخبار معصومین شباهت‌های بسیاری است، لذا این موضوع اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم، آیا مکتب تفکیک به واقع دنباله‌رو مکتب اخباری است یا مکتب مستقلی به شمار می‌آید؟!

۲ـ پیشینه بحث

در برخی کتب و مقالات تحقیقی که درباره شخصیت‌های اخباری و آثارشان به نگارش درآمده، به اجمال، اشاراتی به عوامل ظهور مکتب اخباری شده است. هم‌چنین در برخی کتب جریان‌شناسی مانند جریان‌شناسی فکری فرهنگی ایران معاصر تنها به معرفی مکتب تفکیک پرداخته شده است، بدون اینکه به طور مستقیم خاستگاه تاریخی پیدایش آن دو مورد بررسی قرار گیرد و البته در هیچ یک از آن‌ها به‌طور تطبیقی به بررسی خاستگاه پیدایش دو مکتب پرداخته نشده است.

پژوهش حاضر از این جهت اهمیت دارد که نتیجه آن می‌تواند پایه‌ای برای تبیین دقیق مبانی تفسیری دو مکتب در مقام تطبیق و مقایسه باشد.

در قدم نخست به معناشناسی اصطلاح اخباری و تفکیک می‌پردازیم. سپس به‌طور تطبیقی خاستگاه پیدایش دو مکتب را بررسی می‌نماییم.

۳ـ معناشناسی اصطلاح "اخباری"

متاخران امامیه به دو دسته معتزله[۱] و اخباریه تقسیم می‌شوند و اخباریه آن دسته ای هستند که به ظواهر احادیث متشابه اعتقاد داشته و آن را حجت می‌دانند. (تهانوی، ۹۳/۱)

در فقه متاخر امامی گروهی که به پیروی از اخبار و احادیث اعتقاد دارند و روش‌های اجتهادی و اصول فقه را نمی‌پسندند، اخباری نامند و در مقابل آنان فقیهان هوادار اجتهاد قرار می‌گیرند که به عنوان اصولی شناخته می‌شوند. بدون لحاظ عنوان‌های "اخباری" و" اصولی" تقابل این دو نگرش به فقه امامی ریشه در سده‌های نخستین اسلامی دارد. در مطالعه جناح‌بندیهای مکاتب فقهی امامیه در سه قرن آغازین می‌توان جناح‌هایی را باز شناخت که در برابر پیروان متون روایت به گونه هایی از اجتهاد و استنباط دست می‌یازیده‌اند. (موسوی بجنوردی، ۱۶۰/۷)

البته قابل ذکر است، شیعه در عقاید به دو دسته تقسیم نشده است، که یکی از آنها اصولی و دیگری اخباری باشد؛ زیرا اخباری و اصولی در اصول عقاید و همین‌طور در همه فروع با هم مشترک هستند و اختلاف آنان فقط در منهج علمی و طریقه وصول به حکم شرعی می‌باشد.

مکتب اهل حدیث در اوائل قرن یازدهم هجری بار دیگر به وسیله محمد امین استرآبادی (م ۱۰۳۳ یا ۱۰۳۶ هـ. ق) در قالبی نو مطرح و احیا شد. وی در این مرحله با سامان دادن مکتب اهل حدیث، بر مکتب اصول‌گرایی سخت حمله کرد و بدین ترتیب، دوره نوینی از تقابل دو مکتب یاد شده در حوزه فقاهت شیعی پدید آمد و در حقیقت، رواج و اطلاق عنوان «اخباری» بر گروهی از فقها با مفهوم و اصطلاح خاص و امروزی، از همین دوران و با ظهور استرآبادی آغاز شده است. (هاشمی شاهرودی، ۳۰۱/۱ـ۳۰۲)

یکی از بزرگان مکتب تفکیک در تحلیل ظهور مکتب اخباری معتقد است، در طول

---

۱. اطلاق معتزله بر گروههای امامی مرسوم نیست و مکتب مقابل اخباری یا اخباریگری را در شیعه اصولیان یا اصولیگری می‌نامند.

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

تاریخ اسلام ـ به جز جریانی از محدثان اهل سنت (داود ظـاهری اصـفهانی ـ م ۲۷۰ ق و پیروانش) و جمودگرایان حنبلی ـ برخی از فاضلان شیعه نیـز از فهـم اجتهـادی اخبـار و اصولِ استفاده از آنها سرباز زدند، و بـه فهـم غیرعلمـی و غیرتطبیقـی و غیرجمعـی آنهـا پرداختند. و از اینجا در رجوع به اخبار و استفاده از آنها، مکتب اخباری پدیـد آمـد. وی مکتب اخباری را یک مکتب کلامی یا معارفی نمی‌داند بلکه آن را مربوط به فقه و احکـام فقهی می‌داند. (حکیمی، اجتهاد و تقلید در فلسفه ۱۲۳) قابل ذکر است پیرامون سیر تحـول مفهومی واژه "اخباری" تحقیقات علمی خوبی انجام شده که پرداختن بدان از مجال کـاری این نوشتار خارج است. (نکـ : ایزدی مبارکه، ۱۴۸ـ۱۵۳)

در مجموع مراد از «اخباری» در نوشتار حاضر، گروهی هستند کـه بـه زعامـت محمـد امین استرآبادی در قرن یازدهم تشکیل شده و تا عصر آیةالله وحید بهبهانی به فعالیت خود ادامه می‌دهند. این گروه به پیروی از اخبار و احادیث اعتقاد دارند و روش‌های اجتهادی و اصول فقه را نمی‌پسندند.

٤ـ معناشناسی اصطلاح "تفکیک"

"تفکیک" در لغت به معنای جداسازی و ناب سـازی و خـالص کـردن اسـت. مکتـب تفکیک، مکتـب جداسـازی سـه راه و روش معرفـت و سـه مکتـب شـناختی در تـاریخ شناخت‌ها و تأملات و تفکرات انسانی است، یعنـی راه و روش قـرآن، فلـسفه و عرفـان. (حکیمی، مکتب تفکیک، ۴۶ـ۴۷) مهمترین اصل این مکتب عبارت اسـت از جداسـازی و تفاوت گزاردن میان مفاهیم و اصطلاحات بشری و معارف خالص الهـی (صـدرحاج سـید جوادی و دیگران، ۸/۵)

"تفکیک" در مکتب تفکیک به معنای تفکیک کامل دین، فلـسفه و عرفـان اسـت. بـدین معنی که دین فلسفه نیست، فلسفه عرفان نیست، و هیچ کدام از این‌ها دیگری نیست. ایـن‌هـا سه جریان متفاوت هستند که نباید خلط شوند. (ابراهیمی دینانی، ۲۹۸ـ۲۹۹)

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

مکتب تفکیک یکی از زیر مجموعه‌های جریان سنتی به شمار می‌آید. گفتمان دین پژوهی تفکیک با تفکری خاص، توسط برخی از روحانیون برجسته سنتی در منطقه جغرافیایی خراسان تأسیس و توسعه یافت. میرزامهدی اصفهانی (۱۳۰۳ـ۱۳۶۵ق)، شاگرد برجسته علامه نائینی، در سال ۱۳۴۰ ق در مشهد، در صدد طرح مباحث اعتقادی و معرفت اسلامی خالص و ناب برآمد و در این میان توانست باب جدیدی از تعارض میان عرفان و فلسفه با معارف اسلامی را بگشاید و عالمان برجسته‌ای تربیت کند. بعد از وفات میرزا، شاگردانش با ارائه تقریرات و کتابهای استاد به یک جریان فکری تبدیل شدند (خسروپناه، ۲۷)

براساس آنچه گذشت، می‌توان گفت: مکتب تفکیک همان مکتب معارفی و شناختی شیعی و ایمان داشتن به غنای این مذهب و مکتب و مرزبانی و پاسداری تاریخی نظام معرفتی آن در ابعاد اعتقادی و فقهی و اخلاقی است. به ویژه حفظ خلوص معارف اعتقادی تشیع، به دور از در آمیختگی با مذاهب غیراسلامی و غیر شیعی و نحله‌های فلسفی و عرفانی قدیم و جدید. (علی ملکی میانجی، ۲۶۹)

نخستین بار اصطلاح "مکتب تفکیک" را محمدرضا حکیمی در سال ۱۳۷۱ش در مجله کیهان فرهنگی برای مکتب معارفی خراسان پیشنهاد داد و پس از آن این اصطلاح رواج یافت (حکیمی، مکتب تفکیک، ۱۵).

وی این عنوان را الهام گرفته از "بیان الفرقان" شیخ مجتبی قزوینی می‌داند. (حکیمی، مکتب تفکیک، ۱۶۰) البته نباید از نظر دور داشت که عالمان این مکتب، خود را متعلق به چنین مکتبی نمی‌دانند و زمانی که ناچارند آرای خود را با استفاده از اصطلاحات معمول بیان نمایند، ترجیح می‌دهند از نام سنتی‌تر «مکتب معارف اهل‌بیت‌ع» استفاده کنند. اصلی‌ترین علمای این مکتب (مثلاً حافظیان، میانجی و تهرانی) عنوان یاد شده را بیش‌تر ترجیح می‌دهند؛ چرا که از نظر آن‌ها این عنوان، ویژگی تفرقه‌آمیز کم‌تری دارد و به آنان این امکان را می‌دهد تا عقاید شیعی خود را در روند کلی مباحث بیان کنند. البته اکنون عنوان «مکتب تفکیک» نام رایج این مکتب شده است و طرفداران و مخالفان، هر دو این اصطلاح را به کار می‌برند. (محمدباقر ملکی میانجی، ۱۵)

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

بزرگان مکتب تفکیک معتقدند دو معنای عام و خاص از مکتب تفکیک اراده می‌شود؛ در معنای عام، حامیان این مکتب، همه متکلمان و محدثان و فقهاء و مفسران و اخلاقیون و اصولیونی هستند که در مقابل آراء مهم فلسفی و عرفانی (همچون علیت ضروری، وحدت وجود، سنخیت خالق و مخلوق و ....) موضع‌گیری کرده‌اند. در معنای خاصی که از مکتب تفکیک اراده می‌شود، این مکتب مشتمل بر آراء بزرگان معارفی خراسان است که در سده چهاردهم هجری شکل گرفت، و نهضتی علمی و عقلی را در راه احیای معارف اعتقادی شیعی و اسلامی گستراند. (حکیمی، الهیات الهی و الهیات بشری، ۳۳۲)

۵ـ بررسی تطبیقی خاستگاه تاریخی پیدایش دو مکتب

حاصل مجموع بررسی‌های انجام شده درباره بسترهای ظهور و بروز دو مکتب این نتیجه شد که هر یک از دو مکتب، تحت تأثیر فضای موجود در جامعه پیرامونی خویش و در موضع‌گیری‌های انتقادی به برخی جریان‌های رایج روز، ظهور و بروز یافتند. در این بخش احتمالات مطروحه پیرامون خاستگاه پیدایش دو مکتب به‌طور تطبیقی ارائه می‌شود.

۵ـ۱. احتمالات سلبی و انتقادگرایانه در ظهور دو مکتب

در این بخش احتمالات سلبی و انتقادگرایانه‌ای را که درباره ظهور دو مکتب اخباری و تفکیک در دایره تفکرات اسلامی مطرح است، از نظر می‌گذرانیم.

۵ـ۱ـ۱. احتمالات سلبی و انتقادگرایانه در ظهور مکتب اخباری

در این دسته برخی از احتمالاتی که به صورت سلبی پیرامون ظهور مکتب اخباری مطرح است، بیان می‌کنیم:

الف‌ـ ظهورمکتب اخباری با رویکرد انتقادی به مکتب حلّه: از منظر برخی صاحبنظران «اخباریه» در اصل نوعی بازگشت به متون دینی و دور شدن از خوانش‌های رسمی است و این جریان در انتقاد به تفکر، اندیشه و تک صدایی غالب در قرن‌های هفتم تا نهم هجری در مکتب حلّه شکل گرفته است.

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

البته ویژگی تک صدایی در مکتب حلّه به این دلیل بوده است کـه ایـن مکتـب رقیبـی نداشته تا امکان شکوفایی بیشتری داشـته باشـد و لـذا در طـول فعالیـت مکتـب حلّـه در قرن‌های هفتم تا نهم هجری با یک نوع پیشرفت تک بعدی مواجه هستیم. علمای اخباریـه دوره صفوی مثل فیض کاشانی و محمد امین استرآبادی، این روند تک بعدی مکتب حلّه را مورد نقد قرار داده‌اند و معتقد بودند باید یک مقدار از پیچیـدگی‌هـایی کـه در جنبـه‌هـای مختلف دین اعم از کلام، فقه، تفسیر و حوزه‌های دیگر در طی فعالیت مکتب حلّه، در دین اسلام افزوده شده، بزداییم و به یک خوانش خالص‌تر از مکتب امامیـه دسـت پیـدا کنـیم. (نکـ : پاکتچی، ۱۴۰) این احتمال از احتمالات معتنابهی است که از نظـر تـاریخی مـستند است. (نکـ : کرکوش حلّی، ج ۱ و ۲)

ب. ظهور مکتب اخبـاری بـا رویکـرد انتقـادی بـه وجهـه سـنّی‌گـری علـم اصـول: شهیدمحمد باقر صدر، مهم‌ترین عامل پیدایش اخباریگری را پیدا شدن علم اصـول بعـد از عصر غیبت می‌داند. وی معتقد است از آن‌جا که اصول فقه به صورت علمی مدوّن، ابتدا در بین اهل سنت پیدا شد، اصول فقه شیعه نیز در بین اخباری‌ها وجهه سنی‌گـری پیـدا کـرد؛ چنان‌که در مقابل آن بایستند. علّت تقدّم زمانی اصول در بین اهل سنت، این است که آنـان زودتر دچار فقدان نص شدند و به قواعد اصولی برای استنباط احکام شرعی، احتیاج پیـدا کردند؛ ولی مشکل فقدان نص برای شیعیان، بعد از عصر غیبت پیدا شد. (نکـ : صدر، ۷۷)

برخی از اموری که سنّی بودن تفکر اصولی را در ذهن اخباری‌ها تأیید می‌کرد، عبارت بود از:

۱. ابن جنید اسکافی (م ۳۸۱ ق) که از پیشگامان تدوین علم اصول شیعه است، در عمل به قیاس، با مذاهب اهل سنت موافق بود و این مؤیدی بود که اصول، صبغه و رنگ سنّی دارد.

۲. بسیاری از اصطلاحات علم اصول، همان اصطلاحات اصولی اهل سنت بـود؛ ماننـد اجتهاد و اجماع؛ در حالی که اختلاف جوهری و اساسی بین اصطلاحات اصـولی شـیعه و سنّی وجود دارد.

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

۳. اخباری‌ها با استفاده از عقل در شـریعت مخـالف بودنـد و آن را حرکـتِ انحرافـیِ سنّی‌ها می‌دانستند که خواسته‌اند با تکیه بر فکر خودشان و با «اجتهاد به رأی»، احکام شرع را بیان کنند. از این‌رو، جایگاهی که عقل در علم اصول و نقشی که اصولی‌ها برای عقل در استدلال‌های خود قائل بودند، زمینه‌ساز مخالفت با حرکت اصولی در بین شیعه بود؛ با ایـن پندار که این، همان مسیر انحرافی اهل سنت است و باید مانند اصحاب ائمه، بدون نیاز بـه اصول، احکام را به دست آورد. (نکـ : همان، ۷۷ـ۸۱)

۵ـ۱ـ۲. احتمالات سلبی و انتقادگرایانه در ظهور مکتب تفکیک

در این قسمت برخی احتمالات سـلبی کـه در ظهـور و بـروز مکتـب تفکیـک نقـش داشته‌اند، از نظر می‌گذرد:

الف ـ انتقاد و مبارزه با توطئه عـدم مرجعیـت دینـی ائمـه: در بیانـات بزرگـان تفکیـک خاستگاه پیدایش مکتب تفکیک مبارزه با توطئه ای است که برای کنار نهادن مرجعیت علمی اهل بیت عصمت (ع) صورت گرفته است که در آن با گسترش علوم اسلامی از جملـه کـلام، فلسفه و عرفان، عمده مسلمانان از تفکر توحیدی و راهنمایی اهل‌بیت (ع) دور شدند.

بزرگان تفکیک معتقدند کسی که آشنا به سیاست خلفا باشـد، همچـون خورشـید بـرایش روشن خواهد شد که علتی برای ترجمه فلسفه یونانی و ترویج مذهب صوفیه، که ریشه آن نیز یونانی است، نبود، مگر سیاست غلبه بر علوم اهل بیت: و بی‌نیاز کردن مردم از ایـشان. (نکـ : ابراهیمی دینانی، حکیمی و دیگران، ۱۸۳؛ از مقاله «مکتب تفکیک در بوته‌ی نقد» از لاریجانی)

ب ـ انتقاد به فلسفه و عرفان در اثر سَرخوردگی روحی میرزامهدی اصـفهانی عـاملی برای ظهور مکتبی جدید با عنوان مکتب تفکیک: در بررسی تاریخچه مکتب تفکیـک بـه شخصیت میرزامهدی اصفهانی مؤسس این مکتب می‌رسـیم. افعـال و احـوال روحـی ایـن شخصیت در ظهور و بروز این مکتب تاثیرگذار بوده است.

آقا میرزامحمدمهدی غروی اصفهانی، در محرم الحرام سال ۱۳۰۳ق در اصفهان به دنیـا

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

آمد. پدرش آقا میرزا اسماعیل اصفهانی، در نه سالگی میرزامهدی در گذشت. بعد از درگذشت پدر، سرپرستی علمی میرزا را حاج آقا رحیم ارباب بر عهده گرفت. مدتی بعد، وی میرزا را برای ادامه‌ی تحصیل به عتبات فرستاد و توصیه کرد تا به آیة الله آقا سید اسماعیل صدر مراجعه کند. سال مهاجرت میرزا مهدی را حدود ۱۳۱۵ق ثبت کرده‌اند. میرزا در آن زمان دوازده سال داشت. سید اسماعیل صدر (۱۲۵۸ـ ۱۳۳۸ق) فرزند فقیه بزرگ شیعه، آیة الله سید صدر الدین عاملی و از شاگردان مبرّز میرزای شیرازی بوده است. (نکـ : جمعی از نویسندگان، ۱۱۱ـ۱۱۳)

مرحوم صدر از شاگردان مرحوم ملا فتح‌الله (علی) سلطان‌آبادی اراکی (حدود ۱۲۴۰ـ ۱۳۱۸ق) است و ملا فتح‌الله از آنجا که مدتی با مرحوم حاج ملاحسینقلی همدانی (م۱۳۱۱ق) مرتبط بوده (همانجا، ۱۳۱)، متأثّر از اهل عرفان بوده و از اهل زهد و کرامات نیز به شمار می‌آید، اما سر سازشی با حکمت متعالیه نداشته و با گرایشات عرفانی وحدت وجودی مخالف بوده است. این منش فکری ملافتح‌الله را به وضوح در آثار شاگرد و ارادتمندان خاص وی می‌توان مشاهده کرد. (نکـ : همانجا، ۱۳۰ـ۱۴۲)

میرزا مهدی اصفهانی بعد از ارتباط با مرحوم صدر به نجف مهاجرت کرده و مدتی به خدمت مرحوم آیة الله سید احمد کربلایی (م۱۳۳۲ق) می‌رسد. برخی نیز از ارتباط وی با شیخ محمد بهاری و سپس مرحوم قاضی در این دوره سخن گفته‌اند؛ اما ـ با توجّه به ارتباط بعدی وی با مرحوم آقا سیّد جمال گلپایگانی ـ آنچه مسلم است اینکه مرحوم میرزا استفاده سلوکی چندانی از این بزرگان نکرده است.

به هر حال مرحوم میرزا در دوران اقامت در عراق در کنار تحصیل رسمی علوم همت خویش را صرف تهذیب نفس و پیمودن مراحل سیر و سلوک نیز نمود و تا آنجا پیش رفت که موفق به ورود در عالم معرفت نفس و تجرید و خلع بدن گردید. (نکـ : همانجا، ۱۸۶)

مرحوم میرزا در محضر مرحوم آقا سیّد جمال با اصرار اذکاری را از وی گرفته و به ریاضات شاقّی مشغول گشت و ضعف بدنی و هوای گرم نجف و این ریاضات سنگین منجرّ به مکاشفاتی غلط برای مرحوم میرزا شد و پس از چندی سبب تردید وی در مسیر سلوک

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

گشت. در این اوان است که وی متوسّل به وجود مقدّس حضرت صاحب‌الأمر عج می‌شود و طبق دست‌نوشته‌ای از آن مرحوم در این ایّام در طی مکاشفه‌ای نامه‌ای به دستش می‌رسد که برآن با خط نسخ حک شده «طلب المعارف من غیر طریقنا اهل‌البیت مساوق لانکارهم» در پشت ورقه در گوشه چپ آن نوشته شده بود «و قد اقامنی الله و انا حجةبن‌الحسن». پس از این مکاشفه میرزا یک‌باره به اشتباه خویش پی می‌برد و این مکاشفه را به باطل بودن اساس سیر و سلوک و کشف و شهود تفسیر می‌نماید و زین پس نسبت به حکمت و عرفان به شدت به مبارزه و ستیز می‌شتابد و برخلاف آموزه‌های اساسی مکتب عرفانی نجف، نیاز به استاد و ارادت به او را با وجود حضرت امام زمان (عج)، باطل، و بلکه به تعبیر خود فعل مجانین می‌شمارد و استاد خود را در نجف رها می‌نماید. در همین ایام مریضی میرزا، مرحوم سید جمال با کمک مرحوم نائینی هزینه و مقدمات سفر میرزا به ایران را فراهم می‌کند و اینگونه میرزا مهدی به ایران می‌آید. مدت کوتاهی در تهران و سپس ساکن مشهد می‌شود ولی هرگز به عراق باز نمی‌گردد و ۲۵ سال عمر باقیمانده خویش را در مشهد اقامت می‌کند.

این ماجرا و این مکاشفه هم در نگاه تفکیکیان و هم در چشم مخالفان و منتقدان تفکیک بسیار با اهمیت است. دسته اول ـ با آن‌که بر بی‌اعتباری مکاشفات غیر معصوم اصرار می‌ورزند ـ آن را نقطة آغاز مکتب معارف وحیانی و ظهور علم مصبوب بر بشر می‌دانند و متأسّفانه برخلاف نوشتة خود میرزا به این رؤیای ساده بال و پر فراوانی داده‌اند و در مقابل دیگران آن را سرآغاز انحراف شمارند. (نکـ : همانجا، ۳ـ۵ با تلخیص)

طهرانی معتقد است میرزامهدی سیر و سلوک را تاب نیاورد و در اثر وازدگی نفس و به واسطه عدم تحمل و عدم وصول در سلوک و از سرِ کین به این آراء معتقد شد. ایشان شخصیت میرزامهدی را مانند شیخ احمد أحسایی می‌داند که پس از مدتی مراقبه و سیر و سلوک به واسطه همین وازدگی و سردی، حسّ بدبینی شدیدی نسبت به عرفاء و فلاسفه پیدا کرد و در کتب خود، آنها را به باد انتقاد گرفت. احسایی در عدم تجاوز از ظواهر

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

آیات، یک اخباری صِرف بود که مکتب شیخیه را به راه انداخت و بالاخره به طور غیرمستقیم موجب پیدایش بهائیت و بابیّه گردید. (طهرانی، ۱ـ۳)

۵ـ۲. احتمالات ایجابی با رویکرد تأثیرپذیری از جریان‌های رایج روز

در این بخش به بررسی عواملی که به طور ایجابی بر ظهور و بروز دو مکتب اخباری و تفکیک تاثیر گذارده‌اند، می‌پردازیم:

۵ـ۲ـ۱. احتمالات ایجابی در ظهور مکتب اخباری

در این بخش به برخی از احتمالات ایجابی در زمینه ظهور مکتب اخباری اشاره می‌کنیم:

الف ـ ظهور مکتب اخباری تحت تأثیر رواج نصّ گرایی در جهان اسلام: در سده‌های متأخر با یک ویژگی کلی مواجه هستیم که آن، فاصله گرفتن از عقل‌گرایی و روی آوردن به نصّ‌گرایی است. این امر به صورت عامّ هم در شیعه و هم اهل سنت مشاهده می‌شود. اوج عقل‌گرایی در جهان اسلام در قرن چهار و پنج هجری قمری بوده که شاخصش امام محمد غزالی است و بعد از آن روند نزولی پیدا می‌کند تا اینکه در قرن نهم و دهم هجری تغییر مسیر یافته و با سرعت بیشتری به سمت نصّ‌گرایی پیش رفته و عقل‌گرایی به کناری نهاده می‌شود. (نکـ : پاکتچی، ۱۸۸) در نگاه جریان شناسانه از جمله شواهدی که بر این تأثیرپذیری دلالت دارد، عنوان «الفکر السلفی عند الشیعة الاثنی عشری» است که «الجابری» برای کتاب خویش برگزیده است. این عنوان اشعار به این دارد که از منظر او اخباریگری نوعی اندیشه سلفی است که همه چیز را به نصّ زمان صدور برمی‌گرداند. وی معتقد است این اندیشه سلفی در طول قرن یازدهم هجری بر قسمت اعظم بلاد فارس حکومت می‌کرده است و گرایش به حدیث و شروح آن مشخصه اصلی این قرن بوده است و این گرایش به مکتب فلسفی ایران نیز نفوذ یافته، به گونه‌ای که شخصیتی نظیر مولی محسن فیض کاشانی به عنوان نمونه و سمبل این اندیشه مطرح می‌شود (نکـ : جابری، ۳۲۵ـ۳۲۶). در حوزه‌ی

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

اهل سنت نیز بعد از ابن تیمیه که شخصیت دوگانه‌ای دارد، در دوره‌ی شاگردان او همچـون «ابن قیم جوزی» شاهد اندیشه‌های نص‌گرایی هستیم. سپس در قرن نهم هجری، «ابن حجر عسقلانی» را داریم که موج نص‌گرایی را در اهل سنت گسترده ساخت. دو موج «ابن تیمیه» و «ابن حجر عسقلانی» با وجود تفاوت‌هایی که دارند، اما عملاً یک جریان گسترده‌ای را در اهل سنت به وجود آوردند که جهان اهل سنت را به جریان نص‌گرایی بیشتر سوق دادند. به طوری که یک دفعه در قرن سیزدهم با «محمد بن عبدالوهاب» بنیانگـذار فرقـه‌ی وهابیـت مواجه می‌شویم. وی فرد بسیار افراطی در نص‌گرایی و گریز از عقل اسـت. بنـابراین هـم در اهل سنت و هم شیعه شاهد غلبه جریان نص‌گرایی هستیم و اگر این جریـان در شـیعه نمـود بیشتری دارد، به علت گستردگی حوزه‌ی اهل سنت است که اگر یـک مـوج بخواهـد در آن فراگیر شود، زمان زیادی را می‌گیرد در حالی که در جهان تشیع به علـت اقلیـت بـودن آن، سریع گسترش پیدا می‌کند. لذا جریان نص‌گرایی به سرعت در مناطق متعـددی چـون مـصر، سوریه، ترکیه و شبه قاره هند به وجود آمد. یکی از علت‌های اهمیت پیداکردن تفاسیر روایـی در برهه‌ای از تاریخ یعنی عصر صفویه به بعد رواج نص‌گرایی و اخباری‌گری اسـت و خیلـی طبیعی است که افراد به جای تفسیرگرایی به سراغ روایات بروند. (نکـ : پاکتچی، ۱۸۸ـ۱۸۹) بنابراین به نظر می‌رسد مکتب اخباری تحت تأثیر جریان نصّ‌گرایی کـه درآن عـصر، جهـان اسلام را احاطه نموده بود، ظهور و بروزیافت.

ب‌ـ ظهور مکتب اخبـاری تحـت تـأثیر فلـسفه حـسّ گـرای غـرب: دو جریـان فکـری جمودآمیز که درتاریخ اسلام رخ داده است: یکی از آنها جریان خوارج است که مظهر جمـود فکری در عصر خودشان بوده و دیگری جریان اخباریگری است. (نکـ : مطهری، ۱۱۱/۲۱)

از احتمالاتی که در جستجوی ریشه‌های ظهور اندیـشه اخبـاریگری در جهـان اسـلام مطرح می‌شود، تأثیرپذیری از جریان فلسفه حس‌گرا در اروپاست. شهید مطهـری از قـول آیةالله بروجردی نقل می‌کند که ایشان معتقد بودند، قول استرآبادی مبنی بر اینکه عقل فقط در اموری که مبدأ حسی دارند یا قریب به محسوسات‌اند، مثل ریاضیات، حجت است و در

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

غیر اینها حجت نیست، تقریباً مقارن بود با پیدایش فلسفه حسی در اروپا. آنها در علوم حجیت عقل را منکر شدند و این مرد در دین منکر شد. مطهری این قول را در سال ۱۳۲۲ش در بروجرد از آیةالله بروجردی شنیده‌اند و البته منتظر بودند در درس خارج ذیل مبحث حجیت قطع دوباره این مطلب را از ایشان بشنوند که آیة الله بروجردی چیزی در این باره مطرح نمی‌کنند. لذا در حدِّ احتمال و غیر مستند باقی می‌ماند. البته شهید مطهری مدرکی در این زمینه پیدا نمی‌کنند و بسیار بعید می‌داند که این فکر حسی در آن وقت از غرب به شرق آمده باشد. البته از سویی معتقد است آیةالله بروجردی هم بی‌مدرک سخن نمی‌گفتند. (نکـ : مطهری، ۱۶۹/۲۰) البته به گواهی خود شهید مطهری اثبات این تأثیرپذیری کار مشکلی است هرچند برخی در تبیین این تاثیرپذیری معتقدند استرآبادی در مکه ارتباطات علمی با برخی اروپایی‌ها که به آنجا رفت و آمد می‌کردند، داشته است و موج فلسفه حسی از این طریق به او رسیده، ولی حقیقت آن است که اثبات این مقوله بسیار مشکل و غیرمستند است.

در مجموع می‌توان گفت مکتب اخباری با بهره‌گیری از بستر فکری مناسب که توسط پیشینیان فراهم شده بود، در فضایی مناسب به ترویج حدیث‌گرایی پرداختند. البته مقابله با حرکت افراطی عقل‌گرایی نیز عامل مهمی در ظهور و بروز این مکتب به حساب می‌آمد.

ذیل مسأله تأثیرپذیری اخباری‌ها از مکتب حس‌گرای غربی، باید گفت در مکتب تفکیک هم چنین بحثی مطرح است. تأکید بر عین‌گرایی در مکتب تفکیک وجود دارد. محمدرضا حکیمی در این زمینه می‌گوید: «قرآن کتابی عین‌گراست نه ذهن‌گرا، و به عینیت و واقعیت بها می‌دهد، نه جز آن، باید توجه کنیم، امر در همه سطوح این چنین است.» (نکـ : حکیمی، پیام جاودانه، ۱۴۱)

ج ـ ظهور مکتب اخباری تحت تأثیر اندیشه‌های «أحسایی»: مکتب فقیهان اهل حدیث که در اواخر سده چهارم و نیمه نخست سده پنجم قمری، با کوشش فقیهان اصول‌گرا ضعیف گردید، وجود محدود خود را در مجامع فقهی امامیه حفظ نمود تا آنکه در اوایل سده

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

یازدهم بار دیگر به وسیله محمد امین استرآبادی در قالبی نو مطـرح شـد. در ایـن زمینـه برخی معتقدند إبن أبی جمهور أحسایی (زنده در ۹۰۴ ق) صاحب کتاب «عوالی الئـالی» از جمله کسانی بود که راه را بر أخباریان هموار گردانید (نکـ : حکیمی، الهیات الهی و الهیات بشری، ۳۶۶) او در رساله‌ای که با عنوان «العمل بأخبار أصحابنا» نگاشت، به اقامه ادلـه‌ای در این زمینه پرداخت. (نکـ : بجنوردی، ۱۶۰)

احسایی در مشهد مناظرات معروفی با فاضل هروی داشـته کـه میزبـان ایـن جلـسات سیدمحسن رضوی (م ۹۳۱ق) بوده است. (نکـ : بحرانی، ۱۶۶) البتـه برخـی در ردِّ انگـاره زمینه‌سازی ابن أبی جمهور أحسایی برای اخباریگری مقاله‌ای تحقیقی نوشته‌اند و معتقدنـد با توجه به مولفه‌هایی از زمره نص گرایان خارج می‌شود؛ همچون:

الف ـ تأثیرپذیری أحسایی از مکتب محدثان و متکلمان حلّه به عنوان یک جریان عقل‌گرا

ب ـ تأثیرپذیری أحسایی از فلاسفه و متصوفه

ج ـ اعتماد به عقل در اعتقادات

د ـ اعتقاد به کاربرد عقل عملی و به رسمیت شناختن عقل به عنـوان شـرع داخلـی و موارد مشابه

به این ترتیب، می توان احسایی را محدثی متکلم با رویکردهای عقل محـور دانـست. همچنین بر اساس قواعد تحلیل تاریخی، بر فرض که حتی احسایی، یک اخبـاری قلمـداد شود، برجسته کردن میزان تأثیر و نقش یک نفر در چنین پدیده بزرگـی پـذیرفتنی نیـست. (نکـ : سلیمانی آشتیانی، ۵۲۲)

البته این‌گونه احتمالات در حدِّ موجبـه جزئیـه مـی‌توانـد در ظهـور مکتـب اخبـاری تأثیرگذار بوده باشد؛ اما در نگاه کلان محتمل است، دسته‌ای از این مـوارد در ظهـور ایـن مکتب تأثیرگذار بوده باشد.

۵ـ۲ـ۲. احتمالات ایجابی در ظهور مکتب تفکیک

در این قسمت تعدادی از احتمالات مطروحه در زمینـه ظهـور مکتـب تفکیـک مـورد بررسی قرار می‌گیرد که به نحو تأثیرپذیری از جریان‌های رایج روز بوده است.

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

الف- تاثیرپذیری از اخباریان متقدمِ فعال در حوزه مشهد و قزوین در سده قبلِ میرزامهدی اصفهانی و سید موسی زرآبادی: صد و اندی سال قبل از حضور میرزا مهدی اصفهانی در خراسان، شخصیت‌های مهمی از مکتب اخباری در مشهد سکونت داشتند. این پیشینه قطعاً در ظهور و بروز مکتب تفکیک تاثیرگذار بوده است و بزرگان تفکیک به مانند اخباریان از بستر آماده توسط پیشینیان بهره برده‌اند. به عنوان نمونه، ابن أبی جمهور احسایی چندین سال از عمرش را در مشهد زیسته است. (بحرانی، ۱۶۶)، میرزا محمد اخباری (۱۱۷۸-۱۲۳۲ق) از پایه‌گذاران مکتب اخباری مدتی را در مشهد سپری نمود. وی پیش از آن در شهرهای نجف، کربلا و کاظمین گذراند و محضر چند تن از علمای برجسته مانند آقا محمدعلی بهبهانی، میرزا مهدی شهرستانی و شیخ موسی بحرینی را درک نمود. از آن‌جا که وی مسلک اخباری را در پیش گرفته بود، با فقهاء و مجتهدان اصول از جمله شیخ جعفر نجفی، سید علی طباطبایی سخت درگیر شد و میان آنها دشمنی در گرفت. فشار اصولیان سبب شد تا میرزا محمد، عراق را ترک گوید و راهی ایران شود. وی مدتی را در مشهد و دیگر شهرهای ایران گذراند. وی در همین ایام کتابی چون «البرهان فی التکلیف و البیان» را نگاشت که در آن به بیان تکلیف و اسباب آن و اعتلای مسلک اخباری و ردِّ مجتهدان پرداخته است. (نک: بجنوردی، ۱۵۷-۱۵۹)

شهر مشهد با سابقه حضور افرادی چون احسایی، میرزا محمد اخباری و شیخ حرِّ عاملی صاحب وسائل الشیعه در پیشینه خود، بستر مناسبی برای ظهور تفکیکیان در سال‌های آینده شد؛ زیرا در آن سالها مبانی اخباریگری و توجه به اخبار ائمه در حوزه مشهد نهادینه شد.

از دیگر شواهدی که نشان می‌دهد خطه خراسان از دیر باز مهد تفکرات اخباریگری و اخبارگرایی بوده، رساله‌ای است که در قرن یازدهم و سالهای آغازین نزاع میان اخباریان و اصولیان در دفاع از مبانی اصولی و ردِّ گفته‌های اخباریان توسط یک عالم اصولی از اهالی خراسان نگاشته شد. این رساله از معدود رساله‌هایی است که به زبان فارسی در شهر مشهد

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

فراهم آمده و لهجه خراسانی نویسنده در سراسر متن مشهود است. این امر نشان از رواج مسلک اخباریگری در حوزه خراسان و بالتبع در میان مردم آن دیار دارد. این رساله به استناد نوشته انجام آن در سال ۱۱۹۵ق، در سالهای زندگی سران منازعه اخباری و اصولی یعنی میرزا محمد اخباری (مقتول در ۱۲۳۲ق) و مرحوم وحید بهبهانی (م۱۲۰۶ق) و شیخ جعفر کاشف الغطاء (م۱۲۲۸ق) تدوین یافته است. صدور چنین نوشته‌هایی در ردِّ اخباریان در حوزه خراسان، نشان از این دارد که آن سرزمین سخت درگیر اندیشه‌های اخباری بوده است که نویسنده چنین ردیه محکم و مستندی را به رشته تحریر در آورده است. (انصاری قمی، ۱۱۵ـ۱۴۷)

از دیگر شهرهای ایران که محلِّ ظهور و بروز مکتب تفکیک بوده است، قزوین است. در سده ۱۱ تا ۱۳ قمری این شهر پایگاه مهمی برای مکتب اخباری بوده است. ملا خلیل بن غازی قزوینی (۱۰۰۱ـ۱۰۸۹ق) معروف به «برهان العلماء» در این شهر سکونت داشته و مریدان و شاگردانی را پرورش داده است. (نکـ : ۱۳۷۵، ۱۶۲)

ایشان از متکلمان، اصولیان و محدثان عصر شاه عباس صفوی و از شاگردان شیخ بهایی و میرداماد است. وی پس از شاگردی این اساتید، در مشهد مقدس رحل اقامت نمود و نزد «مولی حاجی حسین یزدی»، حاشیه قدیم «ملا جلال دوانی» بر شرح تجرید قوشجی را قرائت نموده است. از دیگر اساتید ملا خلیل، «امیر ابوالحسن قائنی مشهدی» است. اکثر بزرگان قزوین در آن دوره شاگردی او را نموده‌اند. وی گرایش زیادی به اخبار داشت و در اخبار غوطه‌ور بود. وی همچنین با فلاسفه مخالف بود که در دو شرح خود بر کافی در موارد متعدد بدان تصریح نموده است. (موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت ع، دانشنامه اسلامی، ذیل مدخل ملا خلیل قزوینی) اندیشه‌های اخباریگری توسط ملاخلیل و شاگردانش تا سده آینده در قزوین باقی ماند و افرادی همچون سید موسی زرآبادی (۱۲۹۴ـ ۱۳۱۸ق) و شیخ علی‌اکبر الهیان تنکابنی قزوینی (۱۳۰۵ـ۱۳۸۰ق) و شیخ مجتبی قزوینی خراسانی (۱۳۱۸ـ۱۳۴۶ش) و ابوالحسن حافظیان خراسانی (۱۲۸۲ـ۱۳۶۰ش) که همراه با حاج شیخ مجتبی قزوینی در سال ۱۳۴۸ق، به قزوین سفر نمود و از محضر سید

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

موسی زرآبادی بهره برد، (همان، ذیل مدخل سیدموسی زرآبادی) همگی در بستر پیشینیان اخباری خویش به مکتب تفکیک متمایل شده و معتقدند تنها راه رسیدن به معارف راه کتاب و سنت (اخبار معصومین ع) است.

ب- تأثیرپذیری از جریان فلسفه افلاطونی: جریان‌های فکری در میان مذاهب اسلامی، به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: یکی، گروه‌های تعقل‌گرا همچون معتزله و فیلسوفان مسلمان؛ دوم، گروههای نقل‌گرا چون اشاعره و اهل حدیث.

خاستگاه این تقسیم‌بندی در میان اهل سنت بوده است؛ اما در مکتب تشیع، گروهی از متکلمان و فقیهان را می‌توان نقل‌گرا یا عقل ستیز نامید. اصل بنیادین مشترک در میان همه جریان‌های عقل ستیز، عدم استفاده از روش عقلی در تفسیر و فهم کلام وحی است. حکیمان و معتزله در تلاش بودند سخن خداوند را در پرتو اصول عقلی بفهمند؛ اما اهل حدیث و این طیف از جریان‌های فکری، در همان فضایی زندگی می‌کردند که در عصر نزول وحی حاکم بود. مسلمانان در این فضا با نوعی استماع و تسلیم، بدون تجزیه و تحلیل مفاهیم و گزاره‌های وحیانی، آنچه را از طریق وحی می‌شنیدند، می‌پذیرفتند. این گروه فکری به ظواهر کتاب و سنت متعبد بودند. ظهور این‌گونه فهم و تفسیر شریعت در مکتب تشیع پس از یک دوره شدید عقل‌گرایی در کلام و فقه شیعه در قالب اخباری‌گری خود را نشان داد. در این فضای فکری و فرهنگی «بحارالانوار» تدوین شد. از این رو می‌توان مدعی شد که اصول کلّی اندیشه تفکیکیان براساس مباحث کلامی علامه مجلسی استوار است. تفکیکیان چون اشاعره و برخلاف اهل حدیث و اخباری‌ها تلاش دارند در اثبات ناتوانی روش عقلانی در فهم و تفسیر کتاب و سنت از مفاهیم عقلی و فلسفی کمک بگیرند. به همین دلیل در بسیاری از آثار و تحقیقات آنها مباحث فلسفی آورده و مورد مناقشه قرار می‌گیرد. در این جهت تفکیکیان برخی مفاهیم فلسفی در فلسفه افلاطونی را که استعداد تفسیر دینی دارند و توسط شیخ اشراق صورت و سیمای دینی یافته بود، به استخدام در آوردند تا بتوانند نظریه‌ای درون دینی را تدوین کنند. در واقع اهل تفکیک به

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

انگیزه اثبات ناتوانی عقل فلسفی در قلمرو تفکر دینی به راهی کشیده شدند که می‌توان آن را صورت دیگری از فلسفه ورزی دانست. (ابراهیمی دینانی، حکیمی و دیگران، ۲۵۵ـ۲۵۶؛ از مقاله مکتب تفکیک و افلاطون، محمد عیسی‌نژاد)

۵ـ۲ـ۳. حرکات پیش گیرانه به دلیل نگرانی از آلودگی و تحریف اندیشه خالص دینی

در بررسی‌های تطبیقی به عمل آمده، اینگونه حاصل شد که هر دو مکتب اخباری و تفکیک از آلوده شدن مباحث دینی و تحریف آنها به شدت نگران بودند.

از عوامل ظهور مکتب اخباری، ارتباط با جنبش فلسفی آن عصر بود. اخباری‌گری با فلاسفه آن روزگار ارتباط نزدیک داشته، جلال الدین دوانی، ملاصدرا و میرفندرسکی در آن دوره می‌زیسته‌اند، مثلاً ملاصدرا حملات تندی به حدیث‌گرایان داشته است. در چنین فضایی که نوعی توجه به ظاهر افراطی و توهین به کسانی که پایبندی به متن دارند، صورت می‌گیرد، به طور طبیعی زمینه مناسبی برای گسترش افکار مختلف فراهم می‌آید.

از سوی دیگر افرادی مانند ملاصدرا که الان آنها را به عنوان صاحب حکمت متعالیه می‌شناسیم، در آن عصر، فیلسوفی مشایی با دستمایه صوفیانه بوده‌اند. و با توجه به منشا یونانی فلسفه، عده‌ای نگران بودند که اندیشه خالص دینی، دستخوش تحریف شود و مفهومی غیر دینی لباس دین بر تن کند. این عامل از عوامل موثر در ایجاد اندیشه اخباریگری بود تا باعث صیانت معارف دینی از دستبرد و تحریف شود. (الویری، ۱)

از دغدغه‌های اصلی مکتب تفکیک نیز، ناب سازی و خالص مانی شناخت‌های قرآنی و سره فهمی این شناخت‌ها و معارف است به دور از تاویل و مزج با افکار و نحله‌ها و تفسیر به رأی، تا حقایق وحی از تغییر مصون بماند و با داده‌های بشری در نیامیزد. (حکیمی، مکتب تفکیک، ۴۷)

این دغدغه بارها در کلام اهالی تفکیک مطرح شده و از اندیشه‌هایی است که در ظهور این مکتب تاثیر گذار بوده است.

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

۶ـ نتایج مقاله

نوشتار حاضر برای اثبات یا ردِّ این نظریه که مکتب تفکیک همان اخباریگری مدرن است، ترتیب یافته است. برای رسیدن به صحت یا سقم این نظریه می‌توان از جهات مختلف، از جمله خاستگاه پیدایش، مبانی تفسیری، مبانی فقهی و ... به بررسی تطبیقی دو مکتب پرداخت تا این همانی دو مکتب ثابت گردد. در این مقاله تنها به جهت اول یعنی خاستگاه پیدایش دو مکتب پرداخته‌ایم. در طیِّ بررسی مقارنه‌ای انجام شده، این نتیجه حاصل شد که دو مکتب اخباری و تفکیک از نظر روح کلی حاکم بر پیدایش آنها، بسیار مشابه بوده‌اند و با رویکرد حفاظت از منابع اصیل وحیانی در مقطعی از تاریخ تفکر شیعی به منصه ظهور رسیده‌اند. در حقیقت خاستگاه اصلی پیدایش دو مکتب، مقابله با جریان افراطی‌ای بود که تقریبا کتاب و سنت را وانهاده و مشغول مباحث عقلی و فلسفی شدند. بنابراین، هرچند محتمل است این دو مکتب در بسیاری از مبانی فقهی و تفسیری، تفاوت‌های اساسی داشته باشند؛ اما از جهت روح حاکم بر پیدایش و ظهور دو مکتب بسیار مشابه بوده‌اند.

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

کتابشناسی

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، «در نقد مکتب تفکیک»، به کوشش سید باقر میر عبداللهی و علی پورمحمدی، نگاهی به مکتب تفکیک، تهران، انتشارات همشهری، صص ۲۹۸ـ۲۹۹، ۱۳۸۴ش.

۲. همو، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، تهران، طرح نو، جلد سوم، ۱۳۸۹ش.

۳. الویری، محسن، «نو اخباری‌گری توهم یا واقعیت»، پگاه حوزه، ش ۱۸۷، ۳۱ تیرماه، ۱۳۸۵ش. http://www.hawzah.net/fa/Magazine

۴. انصاری قمی، محمدرضا (محقق)، «رساله‌ای در رد دیدگاه اخباریان»، پژوهش‌های اصولی، سال چهارم، ش ۱۲، بهار ، از ص ۱۱۵ـ۱۴۷، ۱۳۹۱ش.

۵. ایزدی مبارکه، کامران و سید محمدهادی گرامی، «اصطلاح اخباری در سیر تحول مفهومی» حدیث پژوهی، کاشان، ش ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۴۸ـ۱۵۳، ۱۳۸۹ش.

۶. بحرانی، یوسف بن احمد، لولوءة البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث، نجف. بی‌جا، ۱۳۸۵ ق.

۷. پاکتچی، احمد، تاریخ تفسیر، تنظیم: محمد جان‌پور، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۹۰ش.

۸. تهانوی، محمد علی بن علی، کشاف اصطلاحات الفنون، تصحیح: مولوی محمد وجیه و مولوی عبد الحق، استانبول، دار قهرمان، ۱۴۰۴ ق.

۹. جابری، علی حسین، الفکر السلفی عند الشیعة الاثناعشریة، قم، دارالاحیاء، ۱۳۶۷.

۱۰. جمعی از نویسندگان، با مقدمه محمدرضا حکیمی، احیاگر حوزه خراسان (میرزامهدی اصفهانی)، تهران، نشر آفاق، ۱۳۹۴ش.

۱۱. حکیمی، محمدرضا، پیام جاودانه، قم، دلیل ما، ۱۳۸۲ش.

۱۲. همو، محمدرضا حکیمی، الهیات الهی و الهیات بشری، قم، دلیل ما، ۱۳۸۶ش.

۱۳. همو، مکتب تفکیک ، قم، دلیل ما، ۱۳۸۸ش.

۱۴. همو، اجتهاد و تقلید در فلسفه، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.

۱۵. حلی، یوسف کرکوش، تاریخ الحلة فی الحیاة الفکریه، قم، مکتبه الحیدریة، ۱۳۸۸.

۱۶. خرمشاهی، بهاء الدین، «مکتب تفکیک، پیشگام استقلال معرفت‌شناسی دین»، به کوشش سیدباقر میرعبداللهی و علی پورمحمدی، نگاهی به مکتب تفکیک، تهران، اتشارات همشهری، ص ۷۷، ۱۳۸۴ش.

۱۷. خسروپناه، عبدالحسین، جریان‌شناسی فکری و فرهنگی ایران معاصر، تهران، نشر موسسه حکمت نوین اسلامی، ۱۳۹۰ش.

۱۸. رامین، علی و همکاران، دانشنامه جهان گستر، تهران، دانش گستر روز، ج ۱۰، ۱۳۸۹ش.

۱۹. سلیمانی آشتیانی، مهدی، «مقاله ردّ انگاره زمینه‌سازی ابن ابی جمهو احسایی برای اخباریگری»، پژوهش‌نامه ثقلین، پاییز، دوره دوم، ش ۳، ص ۵۲۲ (از صص ۴۹۹ـ۵۲۸)، ۱۳۹۴ش.

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

۲۰. سیدان، جعفر، «آموزش اجباری فلسفه در حوزه»، مصاحبه فصلنامه محفل، ۳۰ آبان، ۱۳۹۳ش.
۲۱. همو، مدخل «زندگینامه»، پایگاه اطلاع‌رسانی سیدان، www.seyyedan.com.
۲۲. شفیعیان، روح‌الله، «میرزامهدی اصفهانی»، سایت عرفان و حکمت در پرتو قرآن و عترت، انتشار مطلب در ۱۳ رجب ۱۴۳۵، بروزرسانی ۷ ذی الحجه، ۱۴۳۷ ق، ۱۴۳۵ق. http://erfanvahekmat.com/.
۲۳. صدر حاج سیدجوادی، احمد و دیگران، دایرة المعارف تشیع، تهران، نشر شهید محبی، جلد پنجم، ۱۳۷۵ش.
۲۴. صدر، محمدباقر، المعالم الجدیدة للاصول، تهران، مکتبه النجاح، ۱۳۹۵ق.
۲۵. طباطبایی، سید مهدی، «تداوم و اصالت در مکتب شیعی: ارتباط مکتب اخباری و مکتب تفکیک»، مجله فقه، سال نوزدهم، ش ۷۴، زمستان، ۱۳۹۱ش.
۲۶. طهرانی، سیدمحمدحسین، «ذیل دسته مخالفان عرفان و حکمت، میرزا مهدی اصفهانی»، سایت نور مجرد، دانشنامه تخصصی آثار و احوال علامه طهرانی http://nooremojarrad.com/ (۲۰ تاریخ دریافت: اسفند ۱۳۹۵).
۲۷. عیسی‌نژاد، محمد، «مکتب تفکیک و افلاطون»، به کوشش سیدباقر میرعبداللهی و علی پورمحمدی، نگاهی به مکتب تفکیک، تهران، اتشارات همشهری، ص ۲۵۳، ۱۳۸۴ش.
۲۸. لاریجانی، صادق، «مکتب تفکیک در بوته‌ی نقد»، به کوشش سیدباقر میرعبداللهی و علی پورمحمدی، نگاهی به مکتب تفکیک، تهران، اتشارات همشهری، ص ۱۸۳، ۱۳۸۴ش.
۲۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (فقه و حقوق)، قم، ج ۲۰، نسخه نرم‌افزار جامع فقه اهل‌بیت ع، بی‌تا.
۳۰. همو، مجموعه آثار (فقه و حقوق)، قم، ج ۲۱، نسخه نرم‌افزار جامع فقه أهل بیت ع، بی‌تا.
۳۱. ملکی میانجی، محمدباقر، توحید الامامة، تهران، موسسه الطباعة و النشر، ۱۴۱۵ق.
۳۲. ملکی میانجی، علی، «مکتب تفکیک، قرآن، عرفان، برهان»، بینات، ش ۳۹ و ۴۰، سال دهم، ص ۲۶۹.
۳۳. موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت ع، دانشنامه اسلامی، http://wiki.ahlolbait.com.
۳۴. موسوی بجنوردی، کاظم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، موسسه حیان، ۱۳۷۵ ش.
۳۵. وکیلی، هادی، «تاریخچه مکتب تفکیک»، کتاب نقد، سال چهاردهم و پانزدهم، شماره ۶۵ـ۶۶، زمستان ۱۳۹۱ و بهار ۱۳۹۲، ۱۳۹۱ش.

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019
[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

Downloaded from pdmag.info at 13:03 +0430 on Tuesday July 2nd 2019